

۱. قسم چهارم مکاسب محرمه: تکسب به اعمال محرم.....
۱. مقام اول: بحث کبروی.....
۲. جهت سوم: عدم انحصار بحث به ایجار و استیجار.....
۲. نکته چهارم: عدم فرق بین فرد و گروه.....
۳. نکته پنجم: حرمت تکسب به همه محرمات.....
۴. نکته ششم: شمول قاعده حرام به عنوان اولی یا ثانوی یا به عنوان حکومتی.....
۴. نکته هفتم: جواز محرم با عناوین ثانویه.....
۴. نکته هشتم: اجیر شدن برای یک کار یا چند کار.....
۴. المقام الثانی فی البحث الصغروی و بیان المحرمات التی یحرم تکسب بها و یبطل تکسب بها.....
۵. نکته اول: عدم جامعیت فقه.....
۵. نکته دوم: جامع و مانع نبودن محرمات.....

## قسم چهارم مکاسب محرمه: تکسب به اعمال محرم

### مقام اول: بحث کبروی

مقام اول که بحث کبروی و قاعده کلیه بود. بیان کردیم که دو قاعده را ما مستدل کردیم و استدلالاتش را پذیرفتیم. یک قاعده این است که ایجار و استیجار و تکسب به اعمال محرم تکلیفاً حرام است. و دوم اینکه این عقد و معامله وضعاً باطل است.

در ذیل این مقام اول گفتیم بعد از اینکه مباحث تمام شد، در هر دو جهت، هم جهت اولی که تکلیفی بود، هم جهت ثانیه که حکم وضعی بود. نکاتی را در تکمله آنها بیان کردیم.

بحث دومی هم مطرح شد در مورد مکروهات که در بحث مکروهات گفتیم بعید نیست قائل شویم به اینکه در هر عمل مکروهی تکسب به آن هم کراهت دارد. این هم بعید نیست، گر چه تفصیل بحثش نیاز به بسط بحث دارد. که در جای خودش باید بحث شود. و گفتیم بعید نیست اینجا قاعده کلی دیگری مطرح شود. و آن اینکه **اعانه علی المکروه**، مکروه است. دو جهت در تکمله بحث گفتیم.

### جهت سوم: عدم انحصار بحث به ایجار و استیجار

این است که تکسب به اعمال محرم یک نوعش ایجار و استیجار بود. و غالباً در ایجار و استیجار مطرح می شود که تعریف اجاره هم همان معامله ای است که روی اعمال و انتفاعات طرف معامله قرار می گیرد. این مصداق بارز قصه است. وقتی می گوئیم تکسب به اعمال محرم، یعنی اینکه کسی را اجیر بگیرد، یا خود او اجیر شود برای کار حرامی، این مصداق بارزش ایجار و استیجار است. اما در عین حال انحصار به این ندارد. در بعضی از عقود و چیزهای دیگری غیر از ایجار و استیجار هم متصور می شود. مثلاً ممکن است به نحو جعاله بیاید، جعلی بگذارد، چیزی قرار بدهد برای اینکه هر کسی این کار حرام را انجام داد. یا حتی در مضاربه بنا بر اینکه به این مضاربه به این نوع چیزها هم صدق می کند. یا مشارکت است که با او شریک می شوند در اینکه چیزی را انجام بدهند. یک عملی را مشترکاً انجام بدهند. بنابر بعضی از اقسام مضاربه و مشارکت و اینها هم در این متصور است. بنابراین در اینجا ما در این بحث عنوان ایجار و استیجاری نداریم. غیر از آن دلیل اول که امام می فرمودند. که **ایجار و استیجار علی القبائح** قبیح است. اینجور چیزی مطلقاً وجود ندارد. هر عقدی متصور شود که به منافع شیء و به اعمال محرمه تعلق گیرد. و به کار محرم تعلق گیرد. این داخل در بحث است.

### نکته چهارم: عدم فرق بین فرد و گروه

این است که این اعمال محرمه گاهی هست که فرد انجام می دهد. گاهی به صورت شرکتها و مؤسسات بزرگی در می آید که فرقی نمی کند روشن است فقط جهت تنبه به آن را عرض می کنیم. الان گاهی مافیاهایی پیدا می شوند، باندهایی پیدا می شوند که مثلاً قاچاق انسان می کنند. خرید و فروش انسان کار درستی نیست. حرام است. آنوقت به صورت باند در می آیند و این کار محرم را انجام می دهند. این فرقی نمی کند. بلکه گاهی عذابش شدید تر است. و عقابش مؤکد تر است. چه اینکه کسی برود فردی را اجیر بکند برای کار حرامی، یا اینکه بیاید مؤسسه ای تشکیل بدهد که این مؤسسه افرادی را اجاره بکند. فرقی نمی کند. چه کار فردی باشد چه گروهی باشد. چه بدون واسطه باشد چه با واسطه باشد. بدون واسطه این است که شخصی را اجیر می کند. با واسطه این است که مؤسسه ای را راه می اندازد که این مؤسسه کارش این است که افراد را اجیر بکنند که در تاکسی بنشینند و شایعه

پراکنی بکنند. این هم فرقی نمی کند. بلکه نوع گروهی و اینها به دلایل خاص خودش مؤاخذه بیشتری دارد. نوع ابزارها فرقی نمی کند. به شکل قدیم یا جدید باشد اینها همه مشمول بحث می شود.

### نکته پنجم: حرمت تکسب به همه محرمات

این است که ایجار و استیجار در اعمال محرمه یک امری است که به لحاظ صغروی در طول زمان متحول و متغیر است. یعنی یک زمانی ممکن است یک عمل محرم معامله به آن تعلق بگیرد. ولی یک زمانی تداول ندارد. و لذا قاعده ما این است که تکسب به همه محرمات، همه افعال محرم است. اما تداول تکسب به عمل محرم این عمل نسبی و متغیر است. رواج عمل به تکسب به محرم و شیوع آن و تحقق آن امر نسبی و متغیر است. و هم به زمان و هم به مکان، ممکن است در یک زمانی معقول نبوده است که کسی بیاید اجیر شود برای اینکه عقیم کند. عقیم سازی فرض بگیرید یک زمانی نمی شد. و لو اینکه حکم این بود که عقیم سازی حرام است. ولی اصلاً رواج نداشته که کسی دیگری را اجیر کند برای اینکه بیاید عقیم کند. ولی الان رواج دارد. به دیگری پول می دهند که شخصی را عقیم کند. بنابر اینکه بگوییم عقیم کردن مطلق و به طور کامل اشکال دارد. بنابراین این متحول به تغییر زمان است.

بنابراین این امر نسبی است، هم به لحاظ نوع محرماتی که بشود با او تکسب کرد. بعضی محرمات را یک وقتی می شود تکسب کرد. یک وقتی نمی شود تکسب کرد. این استیجار هم همیشه به عقد و صیغه نیست. خیلی وقتها معاطات است. آنوقت بحث مطرح می شود. اگر گفتیم اینها حرام است. و امروز هم تکسب به او متداول شد، آنوقت می آید روی کبرای کلی، کبرای کلی هم گفتیم که حرام تکلیفاً و باطل وضعاً، بر خلاف ظاهر برخی از آقایون که ظارشان این بود که فقط بطلان وضعی دارد. ظاهرش این بود که حرمت تکلیفی هم بعید نیست داشته باشد. نفس علی الايجار و الاستیجار، این هم از این جهت است. آنوقت به همین دلیل است که بعضی از آقایون که وارد مکاسب محرمه شده اند خیلی از این مسائل جدید و مسائل مستحدثه را آورده اند. علت این، این است که این محرمات و کارهای حرام از دو جهت در طول زمان متغیر است. یکی اینکه بعضی از محرمات در یک زمانی حکمش در مقام ثبوت حرمت بوده، ولی امکان عملی نداشته و لذا بحث نمی شد. و دوم اینکه بعضی از محرماتی که امکان عملی هم داشته ولی اجیر نمی گرفته کسی برای آن، ولی امروز برای آن اجیر می گیرند. مثلاً شایعه پراکنی قدیم در این حد نبوده است. ولی امروز خیلی رواج دارد. که اصل محرم آنوقت هم بوده است. ولی دفع و ماله الاجاره و دفع الاجاره لهذا الفعل المحرم این تداول و رواج نداشته، امروز رواج دارد. این هم نکته ای است که از هر دو جهت اینها متغیر است. هم اینکه بعضی از محرمات قدیم مصداق نداشته، ولی امروز مصداق دارد. مثل تغییر جنسیت بنابر اینکه بگوییم حرام است. یا شبیه سازی بنابر اینکه بگوییم حرام است. یا مهندسیهای ژنتیکی و امثال اینها، ولی امروز مصداق پیدا کرده است. و کسی می گوید حرام است. این یک جهت است که موجب تغییر و تحول است. یعنی در طول زمان عوض می شود. حکم خدا عوض نمی شود. یک زمانی مصداق نداشته

است. حالا مصداق دارد. یکی هم از نظر عرفی بعضی چیزها یک زمانی اجیر گرفتنی نیست. ولی یک زمانی اجیر می گیرند. و به صورت فردی یا بانندی می آیند افرادی را اجیر می گیرند برای اینکه کار محرمی انجام بشود.

### نکته ششم: شمول قاعده حرام به عنوان اولی یا ثانوی یا به عنوان حکومتی

اینکه باز ما در حرامی که اینجا می گوئیم تکسب به محرمات حرام و باطل، این حرام، حرام به عنوان اولی یا ثانوی یا به عنوان حکومتی همه اینها مشمول این قاعده است. فرقی نمی کند. چیزی به عنوان اولی حرام باشد، مثل زنا، کذب، افترا و غش و امثال اینها یا اینکه نه به عنوان ثانوی است، عناوین ثانویه می تواند فردی باشد می تواند اجتماعی باشد. یا به عنوان حکومتی است. گاهی به کسی پول می دهد که قوانین جمهوری اسلامی را که قوانین شرعی است. و امر ولایی است و نقضش حرام است. پول می دهد به کسی که برود این قانون را نقض کند. نقض این قانون چون حرام است طبعاً این تکسب به محرم است.

### نکته هفتم: جواز محرم با عناوین ثانویه

این است که اعمال محرم گاهی با عناوین ثانویه جایز می شود. آن طرفش هم داریم. گاهی با عناوین ثانویه فعل محرمی جایز می شود. اگر این فعل محرم جایز شد. روشن است که آنوقت تکسب به آن جایز می شود. مثلاً تجسس در اعمال شخصی حرام است. یا مثلاً شکنجه حرام است. ولی اگر در شرائطی عنوان ثانوی آمد که این جایز شد. آنوقت این هم جایز می شود. این گاهی به عناوین ثانویه محرمات جایز می شود که حکمش روشن است، چون به عنوان ثانوی جایز شد، آن امر جایز می شود. منتهی تا وقتی که عنوان ثانوی باشد، تکسب به آن جایز می شود.

### نکته هشتم: اجیر شدن برای یک کار یا چند کار

این است که وقتی که کسی اجیر می شود برای کار حرام، گاهی یک کار حرام است. گاهی چند کار حرام است. ملازم هم می شوند. در پزشکی اینطور است. مثلاً می آید اجیر می شود برای اینکه این زن را عقیم کند. هم عقیم کردن حرام است، هم نظر به عورت نامحرم حرام است. در واقع اینجا اجرتی که دارد می گیرد. برای کار حرامی است. و برای اینکه کار حرامی را انجام دهد. یک کار حرام دیگری را هم باید انجام دهد. این هم باز موجب اشتداد عقاب و عذاب می شود. که یک عمل مصداق چند حرام شده است.

### المقام الثانی فی البحث الصغروی و بیان المحرمات الی یحرم تکسب بها و یبطل تکسب بها

یعنی محرماتی که اکتساب به آنها می خواهیم بگوئیم حرام است. صغریات این بحث را می خواهیم بگوئیم. در این مقام دوم حالا وارد چند نکته می شویم.

### نکته اول: عدم جامعیت فقه

این است که بیان این محرماتی که در اینجا هست به صورت بحث مستوعب فقهی، ریشه آن بر می گردد به اینکه فقه ما از یک جامعیت کامل و تبویب مناسب برخوردار نبوده است. که این محرماتی که اینجا بحث می شود در جایی از فقه بحث بشود. الان کذب، غیبت، هجوم مؤمن، غش، تدلیش ماشطه و اینها چون جایی بحث نشده است. و لذا وارد این بحثها شده اند. اگر ما یک تبویبی از فقه درست کنیم. ابواب جدیدی افزوده شود. یا ابواب موجود یک بسط و گسترشی پیدا کند، آنوقت خیلی از بحثها که اینجا آمده است همه در جای خودش می روند. در آن ابواب و جایگاهها مناسب خودش، اینجا فقط کبری را بحث می کند.

### نکته دوم: جامع و مانع نبودن محرمات

این است که بیان محرمات در اینجا نه جامع است، نه مانع است. نه همه محرمات اینهایی است که اینجا آمده است. نه همه آنهایی که تکسب به آن متداول رایج است اینجا آمده است. بخصوص در این زمان، نه اینکه همه چیزهایی که اینجا ذکر شده است. الان تداول و رواج دارد، تکسب به آن. بین ما هو متداول التکسب به و آن که اینجا ذکر شده است. عموم و خصوص من وجه است. بعضی از اینهایی که اینجا است. امروز هم تداول و رواج دارد تکسب به آن، و بعضی هم رواج ندارد. کما اینکه بعضی از محرمات رائج امروز داریم که تداول دارد تکسب به آن در همین پزشکی و اینها هم وجود دارد. که اینجا مصداق ندارد. این نه جامع است نه مانع، ولی در عین حال سر اینکه این را اینجا آورده اند. یکی از این چند تا سری است که اینجا آورده اند. یکی محرماتی که اینجا بحث کرده اند. در جاهای دیگر فقه بحث نشده است. دوم محرماتی بحث کرده اند که در ازمنه قدیم و حتی دوره های قدیم غالباً تکسب به آنها رواج داشته، یا تکسب به اینها شأنیت داشته است. این سر این است که اینها را اینجا آورده اند. و الا بحث دامنه تر از چیزی است که اینجا هست.